انترناسیونال 808

**سالی که گذشت سال کارگر و کمونیسم بود**

**گفتگوی کانال جدید با حمید تقوائی بمناسبت فرارسیدن سال نو**

**سیما بهاری:** اگر بخواهیم نگاهی به سال گذشته داشته باشیم، نکات برجسته مثبت و منفی در این سال چه بود؟

**حمید تقوائی:** سال گذشته به نظر من سال کارگر و کمونیسم بود. اگر کسی بخواهد خیلی واقع بینانه نامی برای سالی که گذشت انتخاب کند به همین نام میرسد: کارگر و کمونیسم.

سال کارگر به این معنی که جنبش کارگری در سطح وسیعی سر بلند کرد. سال گذشته سال مبارزات و اعتصابات سراسری بود و فعالین کارگری نه فقط برای خواستهای مشخص کارگران بلکه برای آنچه همه جامعه خواستار آن بود قد برافراشتند و به چهره های سرشناس و محبوبی در کل جامعه بدل شدند. اسماعیل بخشی ها و سپیده قلیانها سال گذشته درواقع پرچم مبارزه علیه زندان، علیه شکنجه، و علیه بیدادگاههای جمهوری اسلامی را بدست گرفتند. شعار اداره شورائی از طرف کارگران اعتصابی هفت تپه مطرح شد و حمایت بخش وسیعی از فعالین جنبش دانشجوئی و دیگر جنبشهای اعتراضی را بخود جلب کرد. اعتصابات وسیع و سراسری معلمان با خواستهای انسانی ای که مطرح میکنند از جمله رایگان شدن آموزش و پرورش و دفاع از حقوق معلمان و ارتقای کیفیت تحصیل دانش آموزان، اعتصاب سراسری رانندگان و تجمعات اعتراضی بازنشستگان نیز از جمله برآمدهای دیگر جنبش کارگری بود. کل جامعه در سال گذشته میجوشید. اهمیت مبارزات کارگری صرفا از نظر وسعت و کمیت نبود بلکه از نظر کیفی هم جنبش کارگری ارتقا پیدا کرد. جنبش کارگری پرچم کل جامعه را در برابر جمهوری اسلامی بلند کرد و مقامات حکومت را بر سر مساله شکنجه و دادگاهها و بازداشت ها و پرونده سازی های امنیتی و همچنین فساد و دزدی و چپاولگری به مصاف طلبید. از این نقطه نظر این یک تحول کیفی و نقطه اوجی در جنبش کارگری بود.

این برآمد جنبش کارگری بهمراه خود کمونیستها، جنبش کمونیستی و احزابی مثل حزب ما را هم در جامعه برجسته و مطرح کرد. و نام حزب و کمونیسم را بر سر زبانها انداخت. در رسانه ها، در گفتمانها، در مدیای اجتماعی و حتی در گفتگوها و اظهار نظرهای مقامات حکومتی نام کمونیسم و نام حزب مطرح شد. معلوم شد که در ایران کمونیسم و جنبش کارگری درهم تنیده است. یکی از باصطلاح جرم های ما، آنچه به نظر رژیم افشاگری ازحزب و کمونیسم بود، این بود که ما کمونیستها در متحد کردن کارگران دست داشته ایم و مبارزات کارگران فولاد اهواز و هفت تپه را متحد و همبسته کرده ایم. اینها ادعای خود رژیم بود. و به این ترتیب جامعه کاملا متوجه شد که کمونیسم و جنبش کارگری رو در روی رژیم قرار گرفته و حکومت را بچالش کشیده است. به این خاطر است که باید سال گذشته را سال کارگر و کمونیسم نامید.

جنبه منفی تحولات سال گذشته دستگیریها و شکنجه ها و سرکوبگری بود که حکومت مثل همیشه مرتکب شد. هنوز اسماعیل بخشی در زندان است، سپیده قلیان در زندان است، جعفر عظیم زاده در زندان است، اسماعیل عبدی در زندان است و بسیاری از کارگران و معلمان مبارز در زندان هستند فقط به جرم حق خواهی و فقط به جرم اینکه از حقوق پایه ای خودشان و کارگران معلمان و بخشهای دیگر جامعه دفاع کرده اند. توحش جمهوری اسلامی را همه میشاسند. این رژیم روز اولی که روی کار آمده است همین سیاست و برخورد را به مبارزات کارگران داشته است. سال گذشته هم استثنا نبود.

منتهی در این جنبه هم ما شاهد پیشروی بیشتر مردم بودیم. تعرض کارگران حکومت را به موضع دفاعی راند و حکومت تحت فشار مبارزه کارگران در اعمال سیاستهای سرکوبگرانه اش محتاط تر شد. امروز اعتراض به شکنجه و پرونده سازیهای امنیتی و بازداشتها و دستگیریها گسترش یافته است و موج تازه ای دردفاع از کارگران زندانی و برای آزادی آنها در حال شکل گرفتن است.

در هر حال سرکوبگری حکومت امر جدیدی نیست، آنچه در سالی که گذشت تازه بود و میتوان گفت نقطه عطفی در مبارزات مردم به شمار میرود عروج کارگر و کمونیسم بود در یک سطح وسیع اجتماعی با پرچم نه به جمهوری اسلامی، نه به شکنجه، نه به زندان و نه به بیدادگاههای حکومتی. این برجسته ترین نکته در تحولات سال گذشته بود.

**سیما بهاری:** یکی از نکاتی که بوسیله سران جمهوری اسلامی هم مطرح شد حزب بود. منظور من اینجا حزب کمونیست کارگری است. ولی سئوال من در مورد حزب و حزبیت بطورکلی است. پدیده حزب به لحاظ سیاسی چه اهمیتی دارد؟

**حمید تقوائی:** به نظر من حزب، احزاب کمونیست نظیر حزب ما، نماد و تشکل و تجسم آرمانها و خواستها و اهداف انسانی است که جامعه بدنبال آنست. حزب ما حزبی است که برای آزادی و برای برابری و رفاه و انسانیت مبارزه میکند. برای درهم شکستن دیکتاتوری، برای درهم شکستن نظام بردگی مزدی، برای درهم شکستن هر نوع تبعیض در جامعه می جنگد. و این آمال و خواست اکثریت عظیم مردم ایران است. بدون حزب این خواستها و آرمانها در همین سطح آرمان و آرزو باقی میماند. و حکومتی که مقابل آرمانهای انسانی مردم ایستاده است، و ارتش و زندان و سپاه و دولت و ادارات و نیروهای امنیتی را در دست دارد، میکوبد و در قدرت میماند. حزب این معادله را عوض میکند. حزب آن تشکلی هست، آن نیروی مادی ای هست که به خواستها و آمال و آرزوی انسانی اکثریت مردم یک جنبه مبارراتی، عملی و پراتیکی، میدهد و برای تحقق آنها در عرصه های مختلف با حومت درگیر میشود. حزب ما حزب سازمانده مبارزات است. حزب ایجاد اتحاد و همبستگی بین کارگران و زنان و دانشجویان و بخشهای مختلف جامعه است برای رسیدن به اهداف انسانی شان.

ما در تجربیات چند دهه اخیر از جمله در انقلابات موسوم به بهار عرب دیدیم که مردم با خواستهای انسانیشان بمیدان آمدند ولی در غیاب یک حزب انقلابی به اهداف آزادیخواهانه شان نرسیدند. مثلا انقلاب مصر با شعار نان آزادی کرامت انسانی قد بر افراشت ولی دقیقا چون حزبی نبود که این خواست را به سیاست تبدیل کند، به سازماندهی و به یک پراتیک انقلابی تبدیل کند، آن انقلاب نتوانست به اهدافش برسد. در مورد انقلاب ٥٧ هم که تجربه مستقیم مردم ایران است، دقیقا همین امر صادق است. بنابرین هم تجربه و هم تحلیل و تئوری و هم نگاهی به وضعیت امروز جامعه ایران نشان میدهد که بدون حزب این مبارزات و این آمال و آرزوهای انسانی مردم به ثمر نخوهد نشست و بجائی نخواهد رسید.

در سال گذشته حزب و حزبیت به جلو رانده شد و در مرکز توجه قرار گرفت. وقتی کسی مثل اسماعیل بخشی مقامات حکومت را به مناظره بر سر شکنجه دعوت کرد، وقتی کسی مثل سپیده قلیان اعلام کرد که باید بیدادگاههای اسلامی علنی بشود تا مردم ببینند چه میگذرد، مقامات حکومتی حزب را نشانه گرفتند. علیه حزب "مستند سازی" کردند و حزب ما را "متهم" کردند که حزب گسترش اعتراضات است، حزب و کمونیستها را "متهم" کردند که دست کارگران هفت تپه را در دست کارگران فولاد اهواز گذاشته اند، که راه ایجاد سندیکا را به کارگران آموزش میداده اند و غیره. به این ترتیب خود حکومت کل جامعه را متوجه کرد که حزبی هست که با مبارزات کارگران تنیده شده است. این را مردم بروشنی دیدند و گفتمانی که در مدیای اجتماعی براه افتاد این بود که چرا عضویت در حزب کمونیست کارگری و یا هر حزب دیگری جرم است؟ هر کس باید بتواند عضو هر حزبی که میخواهد باشد و از طریق آن حزب سازمان پیدا کند و اعتراض و مبارزه کند. اینها تبدیل به گفتمان عمومی شد و این به نظر من یکی از نقاط اوج مبارزات مردم علیه جمهوری اسلامی بود. در دل مبارزات کارگری حزب و حزبیت بجلو رانده شد و مقامات حکومتی اعتراف کردند که کمونیستها و حزب کمونیست کارگری پشت این قضایا است و مبارزه را سازمان میدهد و قصد براندازی دارد و غیره. بخیال خودشان به این ترتیب خواستند پرونده ها را سنگین کنند. خواستند برای کارگران مبارز پرونده سازی کنند ولی از طرف کارگران با شعار مستند سازی دیگر اثر ندارد جواب گرفتند. پاسخ فعالین و کاربران در مدیای اجتماعی نیز این بود که بر فرض هم فعالین عضو این یا آن حزب باشند، این جرمی نیست و عضویت در احزاب باید آزاد باشد. به نظر من این تحول نقطه عطف مهمی در شرایط و فضای سیاسی ایران و یک گام بزرگ به پیش بود.